

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۱۴

اختر محمد یوسفی

اکثریت خاموش در افغانستان؟

چرا اکثریت نیروهای ملی و وطندوست افغانستان در مسایل ملی و حل عادلانه آن مهر سکوت را بر لب نهاده اند؟

خاموشی اکثریت نیروهای ملی و وطندوست افغانستان در برابر ادامه جنگ و خونریزی، غارت، چپاول، ظلم و بیعدالتی، قانون شکنی و کودتای های سیاه و سفید در روز که در عمل به نفع دشمنان میهن می باشد، خاموشی اکثریت نیروهای ملی و وطندوست افغانستان با عدم اجرای ریاست ملی خوش در میهن قابل پرسش و گناه بزرگ است.

عدم همبستگی ملی، نبود مبارزه قاطع ملی، عدم توجه با اجرای رسالت ملی نیروهای ملی و وطندوست افغانستان زمینه فعالیت های خرابکارانه و آگانه را برای دشمنان خارجی و اجبران داخلی شانرا در کشور میسر ساخته اند که دشمنان مردم افغانستان با خیط کردن اب برای خویش ماهیگیری میکند. باتأسف فراوان بهر پیمان که توطیهای دشمنان مردم علیه منافع ملی کشور با ایجاد بحرانات جدید شدیدتر می شود، صدای حق طلبی نیروهای ملی و وطندوست در افغانستان خاموش تر می شوند که این خود زمینه را برای خلا قدرت و انارشی سازمان یافته اوباشان در کشور فراهم نموده است.



اولاً مطمئن باشید که مذاکرات "صلح" ایالات متحده با طالبان و امضاً توافقنامه قطر بدون حضور قربانیان جنگ در افغانستان شرایط حقوقی، معیارهای عملی و تضمین برای صلح پایدار در کشور را ندارد. امضاً توافقنامه قطر بدون حضور قربانیان جنگ در افغانستان عملاً یک پروسه معلوم الحال ناکام است. باپیوستن باند های ادمکش با دولت موجود و یا احیای مجدد امارات وحشی طالبان که در توافقنامه قطر امضاً شده است پلان آ. اس. آی. پاکستان است، بهیچ صورت ضامن صلح و امنیت نبوده، صلح را در کشور تأمین کرده نمی توانند ناکام است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

شعارهای بدون پشتوانه و سرنوشت دستاوردهای (18) هژده ساله ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان با امضای توافقنامه "صلح" قطر ایالات متحده امریکا با طالبان در موجودیت تأسیس امارت "اسلامی" طالبان و یا اشتراک طالبان در دولت افغانستان خود یک شعار مسخره است که حفاظت آن در عمل ناممکن است.

ثانیاً جنگ و منازعه در بین اقوام شریف و پیروان متدین مذاهب در افغانستان وجود ندارد. آنچه را دشمنان خارجی و اجبران داخلی شان بنام جنگ و منازعه اقوام و پیروان مذاهب در افغانستان برای تدام جنگ بنام حقوق اقوام و مذاهب در افغانستان عنوان کرده اند ساخته و بافته دستگاه های اسختراتی دشمن است بکلی حقیقت ندارد.

تلاش برای تطبیق تیوری های مبنی تقسیم کوچی های مقام رهبری دولتی در میان جنگ جویان با اسمای اقوام و پیروان و مذاهب به طی دو دهه به تعامل حل بحرانات و تقویت مواضع اجبران داخلی در افغانستان بکار برده می شود، تأمین عدالت نیست بلکه وسیله تداوم جنگ بیگانه و تشدید خصومت در بین مردم است.

تلاش های دوباره خارجیها برای تطبیق تیوری تقسیم قدرت چوکی در بین اشرف غنی و عبدالله پیشبرده می شود، روش مطمئن دولت سازی نمی باشد، بلکه در عین زمان این روش مضحک تحریکات اختلافات ملی و مذهبی را بیشتر از پیش در بین مردم افغانستان تشدید ساخته و فضای تفاهم ملی را در افغانستان از بین برده است.

تقسیم امتیازات و چوکی ها قدرت که در بین جنگجویان بنام اقوام و مذاهب میکیاژ شده اند، توطیه چینی است که هیچ نوع معیار قابل پیمایش و قابل اطمینان ملی را برای کشور ندارد بلکه انفجارات ویران کننده آینده آن تمامیت ارضی و حاکمیت واحد ملی افغانستان را تخریب میکند. هر گاه اکنون آن باز هم با شیوه تقسیم امتیازات و چوکی ها قدرت در بین قوم و مذاهب ساختارهای جنگی روی صحنه بکار برده شود، باز هم همان آتش و همان کاسه است. چنین زد و بندها نمی توانند فضای تأمین عدالت و کار مشترک مردم را برای ترقی و انکشاف افغانستان بوجود آورد.

فشار های مقامات رهبری ایالات متحده امریکا بر اشرف غنی برای تطبیق معاهده غیر "قانونی" قطر با طالبان و تقسیم چوکی مقامات حکومتی در بین اشرف غنی و عبدالله عبدالله در دولت آینده نمی توانند بحران کنونی را حل کند، بلکه برعکس تأثیرات منفی از خود بر اعتبار و اعتماد مردم بالای دولت و حکومت آینده را بجای میگذارد.

هرگاه حکومت آینده باز هم مانند حکومت قبلی "وحدت ملی" بر اساس تقسیم امتیازات و چوکی ها قدرت که در بین جنگجویان بنام اقوام و مذاهب بوجود آید باز هم ناکام است.

پای.